



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۸ آبان ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۰

موضوع جزئی: مسأله ۱۱- وطی زوجه دبراً- استدلال مجوزین به آیات. آیه اول و بررسی آن

جلسه: ۲۵

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

استدلال مجوزین به آیات

بعد از معرفت اقوال در وطی زوجه دبراً، نوبت به بحث از ادله می‌رسد. قائلین به جواز، به آیاتی از قرآن استدلال کرده‌اند.

آیه اول

اولین آیه، آیه ۲۲۲ سوره بقره است. البته این آیه شامل فقراتی است که مجوزین به برخی از فقرات این آیه استناد کرده‌اند و به برخی دیگر از فقرات این آیه، مانعین استدلال کرده‌اند. اما یک بخش و فقره‌ای از آیه که مجوزین به آن استدلال کرده‌اند، این بخش است: «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٌّ فَاعْتَرِزُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ». محقق حلی به این فقره از آیه که می‌فرماید «فَاعْتَرِزُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ» برای جواز وطی زوجه دبراً استدلال کرده است؛ البته محقق حلی کتاب نکاح ندارد بلکه در معتبر، کتاب الطهارة به مناسبت بحث حیض این مسأله را مطرح کرده است.

تقریب استدلال

تقریب استدلال آن است که منظور از محیض در این آیه، موضع الدم است؛ یعنی محل الحیض. به تعبیر دیگر، محیض اسم مکان است. بر این اساس کأن معنای آیه این است که «إِعْتَرِزُوا النِّسَاءَ فِي مَحَلِّ الْحَيْضِ»؛ امر کرده به اجتناب از موضع دم. چون آیه در مقام بیان محرّمات حال حیض است، معنایش آن است که در حال حیض از آن موضع و محلی که حیض است، اعتزال و اجتناب کنید. پس منطوق آیه، لزوم اجتناب از موضع دم در حال حیض است. اینکه در صدر آیه می‌فرماید: اینها از محیض سؤال می‌کنند؛ به آنان بگو این آلودگی و قذارت است، پس از موضع آلودگی و قذارت اجتناب کنید. بنابراین معنای منطوقی این آیه امر به اجتناب و اعتزال از موضع دم و محل حیض در زنان است. مفهومی آن است که در حال حیض غیر موضع دم، لزوم اجتناب ندارد. وقتی آیه می‌گوید در حال حیض باید از موضع دم اجتناب شود، معنایش آن است که در حال حیض، در غیر موضع دم اجتناب لازم نیست.

تا اینجا اصل جواز استمتاع و التذاذ از زوجه در غیر موضع دم - به تعبیر برخی بین السُرَّةِ و الرُّكْبَةِ - جایز است.

حال اگر جواز استمتاع از زوجه در غیر موضع دم در حال حیض ثابت شد، بالاولویة جواز آن در غیر حال حیض ثابت می‌شود. یعنی در حالت عادی به طریق اولی استمتاع از غیر موضع دم اشکالی ندارد. یا به تعبیر برخی، بالاجماع چنین جوازی قابل استفاده است.

إن قلت: چه بسا این اولویت قابل استفاده نباشد. لقائل أن یقول که از غیر موضع دم در حال حیض، می‌توان استمتاع کرد. بر طبق این آیه وطی زوجه دبراً در حال حیض جایز است، چون راه استمتاع از موضع دم مسدود است؛ یعنی یک طریق

جایز نیست لذا اجازه داده شده که از طریق دیگری این استمتاع صورت گیرد. اما در غیر حال حیض که به طریق متعارف امکان استمتاع هست، معلوم نیست که بتوانیم جواز را استفاده کنیم. به تعبیر دیگر این اولویت، اولویت قطعی نیست و نمی‌توانیم این مطلب را از این آیه استفاده کنیم.

قلت: پاسخ آن است که با توجه به نکته‌ای که در آیه گفته شده و آن مسأله قذارت و آلودگی است، به هر حال وقتی این آلودگی و قذارت در حال حیض وجود دارد و امر به اجتناب از موضع دم می‌کند، در غیر حال حیض وجود ندارد. اگر این آلودگی مانع بود و در عین حال جواز استمتاع از غیر موضع دم استفاده شد، به طریق اولی در غیر حال حیض این مطلب قابل استفاده است. اگر هم اولویت قطعی نباشد، بالاخره این رجحان و اولویت به نحو اطمینان قابل استفاده است. نمی‌گوییم اولویت ظنیه، چون اولویت ظنیه اعتبار ندارد.

علی‌ای حال نتیجه استدلال به این فقره از آیه ۲۲۲ سوره بقره، آن است که از آنجا که این آیه لزوم اجتناب از موضع دم در ایام حیض را ثابت می‌کند و عدم لزوم اجتناب از غیر موضع دم در حال حیض - مثل دبر - از این آیه استفاده می‌شود، پس به طریق اولی در غیر ایام حیض می‌توان از غیر موضع دم استمتاع کرد و این یعنی جواز الوطی دبراً. این بیان مرحوم محقق حلی در استدلال به این فقره از آیه است.

اساس استدلال محقق حلی

عنایت داشته باشید که اساس استدلال محقق حلی بر این پایه استوار است که محیض، اسم مکان است. خود محقق حلی برای اثبات اینکه محیض در اینجا اسم مکان است، چهار وجه ذکر می‌کند و این رکن استدلال محقق حلی است. اینجا اگر برای محیض یک معنای مصدری قائل شویم باید بگوییم معنای آیه این است: «فاعتزلوا النساء فی زمان الحیض»، و لذا دیگر دلالت بر جواز و طی دبراً ندارد. همه تکیه محقق حلی بر این استوار است که محیض اسم مکان است؛ «فاعتزلوا النساء فی المحیض» ای محل الحیض، یعنی امر به استمتاع از فرج در حال حیض. اگر این معنا باشد، با آن تقریبی که ذکر شد، می‌توان مسأله جواز را استفاده کرد. اگر اینجا به معنای اسم مکان باشد، نتیجه آن است که اجتناب از غیر موضع دم در حال حیض لازم نیست. وقتی در حال حیض اجتناب از غیر موضع دم ثابت شد، به طریق اولی در غیر حال حیض اجتناب از آن لازم نیست. پس همه تکیه بر این است که محیض معنای مکانی داشته باشد.

خود محقق حلی برای اثبات اینکه محیض اسم مکان است، چهار وجه ذکر کرده است. خوب دقت کنید؛ چون این مسأله محل اختلاف است. برخی معتقدند محیض در اینجا معنای زمانی دارد و اسم زمان است. اگر معنای محیض اسم زمان باشد، معنای آیه چه می‌شود؟ «فاعتزلوا النساء فی وقت الحیض»؛ یعنی آیه امر می‌کند به اجتناب از زنان در ایام حیض؛ کأنّ در ایام حیض باید یک اجتناب کلی صورت بگیرد و معاشرت با زنان قطع شود.

ادله محقق حلی بر معنای مکانی محیض

این چهار وجهی که محقق حلی گفته برای اینکه محیض در اینجا اسم مکان است، عبارتند از: وجه اول: آن است که محیض بر وزن مَفْعِل است. مَفْعِل یا مَفْعَل، اوزانی هستند که به طور قیاسی اسم مکان در این اوزان استعمال می‌شود. یعنی معمولاً وقتی می‌خواهند مکانی را نام ببرند، با وزن مَفْعَل یا مَفْعِل می‌گویند، مثل مقتل، مسجد. اما

اینکه مصدر را در این اوزان استعمال کنند، علی خلاف القاعده است؛ البته نه اینکه نباشد، مصدر در این دو وزن استعمال شده ولی سماعی و علی خلاف القاعده است. در دوران امر بین اینکه یک لفظی را حمل بر معنای قیاسی آن یا حمل بر معنای سماعی آن کنیم، معلوم است که اولی و حق آن است که حمل بر معنای قیاسی شود. معنای قیاسی محیض این است که معنای محل و مکان داشته باشد. اینکه بخواهیم محیض را به معنای مصدری و وقت حیض بگیریم، خلاف قاعده است. مقتضای قاعده آن است که به معنای مکان باشد.

وجه دوم: آن است که اگر بخواهیم در اینجا محیض را به معنای مصدری بگیریم، باید قطعاً کلمه زمان را در تقدیر بگیریم. یعنی معنای آیه این است: «فاعتزلوا النساء فی وقت الحیض» و حیض هم به معنای مصدر باشد. چون بدون تقدیر کلمه زمان، اصلاً آیه معنا و مفهوم ندارد. چون معنای آیه این می شود: اجتناب کنید از زنان در خون ریختن؛ پس اگر زمان را در تقدیر نگیریم. این اصلاً معنا ندارد؛ اجتناب کنید از زنان در خونریزی، این نامفهوم است. لذا برای اینکه معنا داشته باشد، باید کلمه زمان در تقدیر گرفته شود؛ و طبق این تقدیر، معنای آیه این است: «فاعتزلوا النساء فی وقت الحیض»، اعتزال و اجتناب کنید از زنان در زمان خونریزی. پس اگر بخواهیم محیض را به معنای مصدری بگیریم، به ناچار می بایست کلمه زمان را در تقدیر بگیریم تا آیه معنای مناسبی پیدا کند و الا نامفهوم و نامناسب است؛ و تقدیر خلاف اصل است. تا جایی که می توانیم باید جملات و کلمات متکلمین و به خصوص آیات و روایات را طوری معنا کنیم که نیازی به تقدیر نباشد. لذا برای اینکه تقدیر پیش نیاید، ما آن را بر همان معنای اسم مکان حمل می کنیم و نه معنای مصدری.

وجه سوم: این است که اگر محیض را به معنای اسم مکان ندانیم — با آن بیانی که گفتیم — باید بر معنای مصدری یا زمان حیض حمل شود [چه تقدیر بگیریم و چه خودش را به معنای زمانی بدانیم] نتیجه اش مخالف با اجماع است. چون اگر امر به اجتناب از زنان در موضع دم نباشد، معنایش آن است که در ایام حیض و در زمان حیض، از زنان اجتناب کنید؛ یعنی به نحو کلی باید اجتناب شود و هیچ نحوه معاشرتی با زنان صورت نگیرد، و این مخالف با اجماع است. در بین یهود این مسأله رایج بود که در ایام حیض به طور کلی از زنان اجتناب می کردند و هیچ نحوه معاشرتی با آنها نداشتند. این امری است که قطعاً مخالف با اجماع است؛ ما یقین داریم امر به اجتناب از زنان در ایام حیض نشده است؛ این روش و سیره یهود بود و در بین مسلمین قطعاً چنین نیست.

پس وجه سوم این است که اگر بخواهیم محیض را به معنای اسم مکان ندانیم و حمل بر معنای مصدری کنیم و بگوییم آیه اشاره دارد به اجتناب از زنان در ایام و زمان حیض، تالی فاسد دارد و آن این است که مخالف اجماع است و مطابق با سیره یهود است که قطعاً در اسلام نفی شده است.

وجه چهارم: آن است که اگر ما آن را به معنای اسم مکان نگیریم، اساساً آیه شامل خودش هم نمی شود؛ به عبارت دیگر با شأن نزولی که برای آیه ذکر شده، تناسب ندارد. در مورد شأن نزول این آیه گفته شده که این آیه برای آن نازل شده که یهود در ایام حیض به طور کلی از زنان اجتناب می کردند. در روایات وارد شده که این آیه نازل شد تا مردم را متوجه این اشتباه کند یا حداقل این حکم را برای آنها بیان کند که لزومی ندارد در این ایام به طور کلی از زنان اجتناب کنید. آنچه مهم است

آن است که در این ایام از موضع دم اجتناب کنید. این آیه در واقع در مقام نفی رفتار یهودیان بوده که در ایام حیض از زن به کلی اجتناب می‌کردند و از معاشرت خودداری می‌کردند.

با توجه به این شأن نزول و اینکه اساساً مورد این آیه آن است که مسأله اجتناب کلی از زن در ایام حیض را نفی کند و فقط از یک موضع خاص دستور داده شده که اجتناب کنند، اگر بخواهیم آیه را حمل بر معنای مصدری کنیم و معنای مکانی و اسم مکان را کنار بگذاریم، با شأن نزولی که برای آیه گفته شده سازگاری ندارد.

دقت شود که وجه چهارم، با وجه قبلی تفاوت دارد. اینکه ما گفتیم اگر حمل بر معنای مصدری شود تالی فاسد دارد و آن اینکه مخالف اجماع است؛ این اجماعی است که اجتناب از زنان به نحو کلی لازم نیست. در این وجه تأکید روی تناسب بین شأن نزول آیه و این معناست.

استدلال محقق حلی را ملاحظه فرمودید که آیه «فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ» دلالت می‌کند بر جواز وطئ الزوجة دبراً. چرا؟ چون این آیه امر به اجتناب از موضع دم در حال حیض کرده است. معنایش آن است که در حال حیض اجتناب از غیر موضع دم لازم نیست. پس معلوم می‌شود اگر در حال حیض اجتناب از غیر موضع دم لازم نیست و مثلاً می‌شود دبراً زوجه را وطئ کرد، پس به طریق اولی در غیر حال حیض هم جایز است.

عرض شد رکن استدلال ایشان آن است که محیض در اینجا به معنای اسم مکان باشد و نه مصدری و نه زمانی. محقق حلی چهار وجه برای اینکه محیض در اینجا به معنای مکانی است، ذکر کردند. مجموعاً نتیجه این می‌شود که آنچه باید در ایام حیض از آن اجتناب شود، فقط موضع الدم است و غیر موضع دم در حال حیض اشکالی ندارد. در غیر حال حیض که مسأله کاملاً روشن است؛ پس یجوز وطئ الزوجة دبراً. این استدلال محقق حلی است.

بررسی استدلال مجوزین به آیه اول

باید ببینیم آیا این استدلال تمام است یا خیر. در این وجوهی که مرحوم محقق حلی ذکر کردند، جای تأمل و اشکال هست. بررسی وجه چهارم: در مورد مسأله شأن نزول می‌توان گفت که این شأن نزولها نوعاً قطعی نیست و براساس روایاتی بیان شده که بر فرض اعتبار، حتی بین این روایات گاهی اختلاف است؛ لذا نمی‌توانیم عدم تناسب با شأن نزول را به عنوان یک وجه برای اولویت حمل بر معنای مکانی بپذیریم.

بررسی وجه دوم: اما اینکه اگر ما این را حمل بر معنای مصدری کنیم، ناچاراً باید کلمه زمان را در تقدیر بگیریم و تقدیر خلاف اصل است، این هم به نوعی جای تأمل دارد. چون ما می‌توانیم معنای زمانی را از کلمه «فی» که در آیه آمده استفاده کنیم، بدون اینکه نیازی به تقدیر باشد. خود کلمه «فی» قرینه است که منظور از محیض در آیه، زمان است و نیازی به تقدیر کلمه زمان نیست. لذا مرحوم علامه طباطبایی محیض را در اینجا به معنای زمان حیض دانسته و بدون اینکه نیاز به تقدیر کلمه زمان باشد، ما می‌توانیم این را حمل بر معنای زمانی کنیم؛ یعنی بگوییم «فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي أَيَّامِ الْحَيْضِ».

سؤال:

استاد: لازم نیست قرینه در لفظ باشد. اگر کلمه «فی» هم نبود، این را می‌گفتیم چون اگر بخواهیم محیض را به معنای مصدری بگیریم، غلط می‌شود، پس ناچار باید کلمه زمان را تقدیر بگیریم. اتفاقاً در کثیری از مواردی که تقدیر صورت

می‌گیرد، ما یک لفظ جایگزین نداریم؛ این در حقیقت جایگزین آن تقدیر است. بله قرینه می‌خواهیم و مهم‌ترین قرینه این است که اگر تقدیر نگیریم، معنایش درست در نمی‌آید. ولی اینجا اصلاً کلمه «فی» آمده است و خود «فی» کأن جایگزین کلمه زمان شده است؛ نه اینکه این قرینه و نشانه‌ای بر تقدیر باشد.

بررسی وجه اول: اما اینکه فرمودند معمولاً مَفْعَل یا مَفْعِل به معنای مکانی می‌آید و معنای مصدری در این وزن خلاف قاعده است، این مطلبی است که باید بررسی شود که آیا واقعاً این موارد، از موارد سماعی هستند یا خیر. در بسیاری از موارد داریم که مصدر در همین اوزان به کار رفته است. لذا این خیلی مهم نیست.

بررسی وجه سوم: عمده‌ترین وجهی که برای استفاده معنای مکانی از محیض ذکر کرده‌اند، همان است که اگر ما این را حمل بر اسم مکان نکنیم و بخواهیم معنای مصدری یا زمانی از آن استفاده کنیم، دلالت می‌کند بر اجتناب از زنان در ایام حیض کلاً. یعنی همان کاری که یهود می‌کردند و این مخالف با اجماع است. عمده این وجه است که در بین این وجوه چهارگانه چه بسا از کلام محقق بشود روی آن اعتماد کرد. ولی این وجه هم چندان قوی نیست؛ زیرا می‌توانیم بگوییم آیه در مقام امر به اجتناب فی الجملة است. آیه نمی‌خواهد بگوید رأساً و به طور کلی از زن اجتناب کنید؛ اجمالاً می‌خواهد بگوید محدودیتی نسبت به زنان در این ایام هست. اما اینکه این محدودیت چیست و چگونه است، اینجا در مقام بیان آن نیست. لذا این وجه را هم می‌توانیم اینطور پاسخ دهیم.

نتیجه اینکه این فقره از آیه که برای جواز وطی زوجه دبراً، مورد استناد محقق حلی قرار گرفته، تمام نیست و نمی‌توان به این فقره استدلال کرد. پس باید فقرات دیگر را بررسی کنیم و ببینیم آیا دلالت بر این مدعا دارند یا خیر.

«الحمد لله رب العالمین»